

محمد مسعود دهاتی و آثارش

دکتر راجندر کمار
دانشگاه دهلی

چکیده

محمد مسعود دهاتی از نویسندگان روشنفکر دوره رضا شاه است که بیشتر نظر به اصلاح جامعه داشته و تغییر اوضاع زندگی جوانان را خواستار بوده است. طرح گوشه ای از زندگی شخصی او، همچنین نقد و بررسی آثارش موضوع کار این مقاله است. نثر مسعود دهاتی بیشتر روزنامه ای است و او بیش از آنکه نویسنده موفق باشد، روزنامه نگار و سر مقاله نویس قابل است. با این حال از نظر اندیشه و دید عمیق اجتماعی داستان های او جایگاه ویژه ای در میان آثار داستانی آن دوره دارد.

واژگان کلیدی: روزنامه نگاری، نثر معاصر، مسعود دهاتی.

مقدمه

نویسندگان در هر دوره ای، سهم بسزایی در تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی داشته اند. نویسندگانی که افکار انسانی والایی را دارا هستند، در دوره ی سیاه بیداد، هیچ گاه با

مفاسد طبقه ی حاکم همراه نمی شوند و با آگاهی دادن به جامعه، راه خود را از ظالمان و زورگویان جدا می کنند.

محمد مسعود دهاتی از نویسندگانی است که در خانواده ای فقیر اما حق پرست به دنیا آمد و در طول مدت عمر کوتاه خود روحیه ی آزادی خواهی و حق پرستی را حفظ کرد و به جرم حق طلبی سر انجام به گلوله های آتشین حکومت رضا شاه جان خود را از دست داد .

شرح حال

محمد مسعود دهاتی در محله ی ابر قوی قم که اکنون به شهر نوین معروف است، به دنیا آمد. تاریخ تولد او بدرستی روشن نیست و شاید در سال ۱۲۸۳ هـ . بدنی آمده باشد. پدرش، میرزا عبدالله، پیشه ور متوسط الحالی بود و شغل علافی یا کاروانسرا داری داشت. وی مردمی تهی دست و بیسواد ولی روشنفکر و حق پرست بود و با آزادی خواهان رابطه داشت.

مسعود که تا سال ۱۳۱۳ هـ به میرزا محمد هلال معروف بود، پس از پایان تحصیلات مقدماتی، به کار و کاسبی پرداخت. کودکی مسعود با تلخ کامی و حرمان گذشت. او همیشه افسرده و ملول و از درس و مکتب گریزان بود و به تقلید روزنامه ها مطالبی روی کاغذ می آورد و دم از مبارزه می زد و گاهی با خطوط درشت و کلمات زننده به آموزگاران حمله می کرد و غالباً تنبیه می شد. در کودکی رنج و غم و تنگدستی بسیار دیده بود و معتقد شد که نوع بشر اصولاً ظالم و خطا کار و خود پسند است. مسعود از مدرسه اخراج شد و مدرسه دیگری او نپذیرفت و بیکار و بلا تکلیف گاهی به نقاشی و زمانی به مطالعه ی روزنامه صور اسرافیل و حبل المتین می پرداخت. (آرین پور، ۱۳۷۶: ۳۰۳)

مسعود مردی بود کوتاه قد و سیاه پوست، قیافه ی زننده و زشتی داشت . در اولین برخورد همه را از خود بیزار می کرد. بسیار کثیف بود و بسیار زود رنج و عصبانی و بیساک؛ هر چه دشمنان بیشتر او را تهدید می کردند، خطرناکتر می شد و انعکاس بیشتری از خود نشان می داد و همین زندگی بی بند و بار است که در داستان های او با وضوح تمام منعکس گردیده است. او ناطق خوبی نبود. اغلب کلمات را بریده بریده و جویده بیان می کرد. استدلالش در گفتگو بسیار ضعیف بود و نمی توانست چند جمله پشت سر هم حرف بزند ولی در نوشتن، بسیار توانا بود.

پاک و هموار و یکدست می نوشت و شاید تسلط او در نوشتن یک نوع انتقام درونی بود که از تهی دستی خود در بیان می گرفت. (همان: ۳۰۳)

بعد از درگذشت پدرش، بار سنگین زندگی یک خانواده ی چهار نفری که نان آوری جز او نداشت، به دوش او افتاد. چندی را با فروش اجناس مغازه و اثاث خانه گذراند وقتی عرصه بر او تنگ شد به فکر انتحار افتاد. (همان) سر انجام به تهران آمد در یک چاپخانه به سمت نقاش و خطاط مشغول له کار شد و با وجود حقوق کم و با حقوق کم، با گلچین که بعدها رپرادیو لندن شد و با شخصی به نام اعتضادی اتاقی اجاره کرد. مسعود چندسال با این دو نفر زندگی کرد و در این مدت در روحیه ی او تغییرات عجیبی به وجود آمد و بی گمان، کتاب تفریحات شب، زندگی این سه جوان تنها و فقیر و نیازمند است که در اتاقی تاریک و خالی به سر می بردند. در همین اوقات، با مدیر روزنامه شفق سرخ آشنا شد و کتاب تفریحات شب را در آن روزنامه منتشر کرد. داور که تحت تأثیر تفریحات شب قرار گرفته بود، مسعود را در سال (۱۳۱۳ هـ) برای تحصیل و مطالعه در رشته ی روزنامه نویسی به خرج دولت به بروکسل فرستاد. آنجا مسعود چهار سال در رشته ی روزنامه ی نویسی تحصیل کرد و عاشق دختری به نام ژینت شد اما با او ازدواج نکرد. (همان) پس از آن که به ایران آمد، در تهران زنی را صیغه کرد و از او دختری آورد و نامش را ژینت گذاشت.

آثار مسعود

مسعود سر مقاله های مرد امروز و مقالات دیگری را می نوشت و در این مقالات که پر از فحش و ناسزا و اغلب همراه مدارک و اسناد زنده بود، به دولت و سازمان های اداری و اشخاص می تاخت. "جالب ترین مقاله ی مسعود، مقاله ی ۲۵ مهر ماه ۱۳۲۶ هجری بود که چنین مقاله ای هیچ گاه در تاریخ روزنامه نگاری دنیا نوشته نشد و شاید بار دیگر نیز نوشته نشود. این مقاله بسیار مفصل بود و درست ده ستون از قطع بزرگ مرد امروز را پر کرده بود و می خواست ثابت کند که قوام السلطنه در مورد نفت خیانت کرده است و نوشت یک میلیون ریال برای اعدام قوام السلطنه. بعدها قرار بود که روز ۲۵ بهمن ماه به اروپا برود که در نیمه ی شب جمعه ۲۳ بهمن ۱۳۲۶ هجری. در خیابان اکباتان، هنگامی که از چاپخانه بیرون می آمد، به

ضرب دو گلوله هلاک شد. قتل مسعود یک قتل سیاسی بود و قاتل او هیچگاه دستگیر نشد". (همان)

او چهار رمان نوشت از جمله تفریحات شب، تلاش معاش، اشرف مخلوقات و گلهایی که در جهنم می روید و رمان بهار عمر که ناتمام است.

در سال ۱۳۱۱ هجری. نخستین و بهترین اثر مسعود تفریحات شب چاپ شد. وقتی مسعود تفریحات شب را به تخلص دهاتی در روزنامه شفق سرخ چاپ کرد، چندی در جامعه این اثر را کار ادبی بلند پایه ای دانستند و چندین نفر از لحاظ زبان و محل و کردار، این اثر را مور انتقاد قرار دادند. نویسندگان معاصر دهاتی، این اثر را آینه ای دانستند که سیمای یک جامعه را عیناً در خود منعکس می کند. به همین دلیل، این رمان، دهاتی را در صف نویسندگان ایرانی جا داد و در کشور معروف شد. او در آغاز هر یک از آثار خود می نوشت، از خواهران و برادران عزیز متمنی است قبل از سن ۲۰ سالگی از مطالعه ی این کتاب خودداری فرمایند. این نوشته ی مسعود، خوانندگان را به خواندن این کتاب ها بیشتر ترغیب می کرد.

مسعود بیشتر روزنامه نویس بود تا داستان نویس. او به شخصیت های مختلف اجتماعی می پرداخت و همه را از زیر نیش قلم خود می گذرانید. او کسی را نگذاشت که از زیر نیش تند قلم او بگریزد. در تفریحات شب، قهرمانان او گروهی از جوانان با شغل های مختلف هستند که یکی از آنها کارمند دولت، دومی نقاش و سومی شاگرد بقال و ... است. هدف آنها در زندگی چیزی جز گردآوری پول و صرف آن در عشرتکده ها نیست. در آنها ذره ای اخلاق انسانی وجود ندارد. گروهی هستند بدبین به مسایل بشری که هیچ نوع احساسی نسبت به هم نوع خود ندارند. برای آنها حفاصل بین خوبی و بدی از بین رفته است.

جریان تحلیلی رمان، محکومیت تلخ جامعه ایست که قادر نیست به جوانان خود تعلیم و تربیت درست بدهد یا زندگی سعادت‌مندی را برای آنان به ارمغان بیاورد. مسعود خود نیز در زندگی فردی اش در روسپی خانه ها و میکده ها پرسه می زد. بینش او نسبت به جامعه بدبینانه بود که حتی سوسویی از روشنایی یا امید در آن دیده نمی شد. تفریحات شب معنایی دوگانه را

در بر دارد، هم تفریحات شبانه ی دسته ای از جوانان تهی دست را می نمایاند و هم به کنایه، نشان می دهد که جوانان عصر شب و ستم، عصر دیکتاتوری سیاه بیست ساله، چه نوع تفریحاتی داشته اند. شاید هم بتوان گفت که این کتاب اصلاً رمان نیست زیرا در این نوشته افکار فیلسوفانه زیاد است و وجهه ی داستانی آن ضعیف می باشد. تا صفحه ی ۴۴ داستان آغاز نمی شود و حوصله ی خواننده سر می رود. به قول مسعود، در این گیتی فقط پول است که انسان را مستحق حرمت می سازد.

مسعود می گوید که جامعه را مطلع کند که جوانانش زیر بار فشار استبداد سهمگین تمدن، ترسان هستند و به خودکشی رو می آورند، پس باید به آنها کمک کرد. مسعود در دو اثر بعدی اش، یعنی اشرف مخلوقات و در تلاش معاش بینش خود را تغییر نمی دهد. دو رمان اشرف مخلوقات و در تلاش معاش در واقع دنباله ی تفریحات شب هستند. اشرف مخلوقات عنوان طنز آمیزی است برای داستانی که زن را یکی از عوامل اصلی وضع غم انگیز جامعه ی نوین به حساب می آورد. این رمان طعن آمیز ضد زنان می باشد.

تلاش معاش در واقع تراژدی جوانانی است که جامعه ی شان قادر به تأمین کار مناسب برای آنها نیست. این رمان در سال ۱۳۱۲ هجری. چاپ شد و زشتی های روسپی خانه ها و تباهی درون انسان را به خواننده نشان می دهد. آنها در تلاش معاش کارهای مختلف می کنند و گاه با سوء استفاده های خود مردم را گول می زنند. از وضع کارگران انتقاد می کند و معتقد است که عامل مفلسی و عقب ماندگی اقتصادی کشور خارجی ها هستند. او به دنبال بیان سرگذشت خسته کننده ایست و به دنبال زن و مشروب، محله های پست تهران را به نمایش در می آورد. این رمان، یک انتقاد بدبینانه از اوضاع اجتماعی تهران می باشد.

در این سه رمان، نثر او اغلب ساده و روان به به شیوه ی نثر روزنامه ای است. کار برد گفت و شنود از سوی نویسنده که در آن تا حد امکان از لهجه ی تهرانی استفاده کرده است،

بسیار ماهرانه می باشد. اثرات فرعی او را نیز نمی توان نادیده گرفت ولی رمانهای او خسته کننده است و نیز از اصول داستان نویسی پیروی نمی کند. در اصل مسعود یک انسان تاریک بین است که بر بشر اعتماد نمی کند و مردم را اساساً افرادی بد و پست می پندارد که همه به کارهای غیر اخلاقی مشغولند. محبت و دوستی، صمیمیت و بشریت برای آنها فقط سراب است. او از ثروتمندان متنفر است. او دولت را مقصر می داند زیرا دولت برای جوانان کار و امکان پیشرفت و زندگی خوب را فراهم نمی کند. نیز از برنامه ی آموزش و پرورش انتقاد می کند که به بچه ها به جز ادبیات، چیز دیگری آموزش نمی دهد.

مسعود غیر از سه رمانی که ذکر شد در سال ۱۳۲۲ هجری کتاب دیگری هم نوشت به نام گلهایی که در جهنم می روید. در این رمان بخصوص نهضت های انقلابی را مورد تهمت و بدگویی قرار داده و می خواهد ثابت کند که انسان طبیعتاً یکسان خلق نشده و زندگی مادی او هم مساوی نخواهد بود. در این رمان دانشجویانی را می بینیم که محبت و دوستی و صمیمیت برای آنها فقط حکم سراب را دارد. در "گلهایی که در جهنم می روید" تحلیلی از آخرین سالهای دوره ی رضا شاه ارائه شده است. نویسنده ایران دوره ی رضا شاه را همچون جهنمی می بیند که گل های وجود جوانان وطن را در خود می سوزاند و از میان می برد.

نتیجه

به طور کلی سالهای پایانی حکومت رضا شاه که مصادف بود با دخالت بیگانگان و ناآرامی ها و ناگواری های بسیار برای جامعه، روح بدبینی و ناامیدی را بر تمام روشن بینان و اندیشمندان ایران حاکم ساخت. مسعود دهاتی نیز یکی از این روشنفکران بود که سعی داشت

با ترسیم و تصویر آنچه در جامعه ی او می گذرد- پرده از چهره ی سیاه فساد و ظلم و بی عدالتی بردارد و انگیزه ای برای مبارزه در دل جوانان ایران ایجاد کند. از نظر قدرت نویسندگی همچنان که گفته شد بیشتر روزنامه نویس بود تا داستان نویس و نثر روزنامه ای او در فضای نوشته های گزارش گونه اش مؤید این موضوع است. اهمیت داستان هایش بیشتر از بعد اجتماعی و سیاسی است و نه از بعد هنری. کاری که سرانجام زندگی خود را بر سر آن گذاشت.



منابع

- ۱- آراین پور، یحیی (۱۳۷۶) از نیما تا روزگار ما. چاپ اول. جلد سوم. تهران: انتشارات زوار.
- ۲- استعلامی، محمد (۲۵۳۵) بررسی ادبیات امروز ایران. تهران: مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر.
- ۳- دهاتی، محمدمسعود (۱۳۱۳) تفریحات شب. چاپ سوم. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ۴- _____ (۱۳۱۳) اشرف مخلوقات. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ۵- _____ (۱۳۱۲) در تلاش معاش. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ۶- _____ (۱۳۱۲) گلهای که در جهنم می روید. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ۷- عابدینی، حسن (۱۳۶۹) صد سال داستان نویسی در ایران. جلد اول. چاپ دوم. تهران: نشر تندر.

8-Kamshad, H. (1966) **Modern Persian Prose Literature**. Cambridge University Press. London.

